

## از آقای سردبیر به آقای وزیر

آقای ظریف! تا فرصت هست «اروپای  
دوم» را جدی بگیرید

ممنون زیر یادداشت سردبیر روزنامه  
خراسان است که در آذرماه سال ۱۳۹۲  
ابتدا در روزنامه خراسان و سپس  
در سایت الف منتشر شده است. این  
یادداشت نخستین گام در تبیین راهبرد  
اروپای دوم و درخواست از وزیر محترم  
امور خارجه برای توجه جدی به این  
راهبرد بوده است.

می‌توان به یادآورد که اعتماد به همین دو  
مبنا بود که باعث شد آقای روحانی با اینکه  
سیگنال‌های خیلی مثبتی در اجلاس‌های  
اسفند ۸۲ و شهریور ۸۳ شورای حکام آژانس  
در تعدیل قطعنامه سوم و پنجم آژانس از  
سوی روسیه و چین گرفته بود همچنان صرفاً  
تفاهم با سه کشور اروپایی را تنها راهبرد  
خود قرار داده و توافقنامه پاریس را در آذر  
۱۳۸۳ به امید به تفاهم رسیدن امضا کند  
و حکم بر ادامه تعلیق کامل فعالیت‌های  
هسته‌ای ایران دهد اما نتیجه این شد که  
بعد از بدعهدی‌های مکرر این سه کشور  
که مورد اعتراض صریح و تند خاقی رئیس  
جمهور وقت قرار گرفت، دیپلماسی او در  
موضع انفعال کامل قرار گرفت و به منتقد  
آن دوران خود یعنی لاریجانی سپرده شد.  
البته آن دوران، انفعال دیپلماسی روحانی  
معادل بن بست کامل سیاست خارجی ایران  
نبود چرا که از یک طرف ایران در فناوری  
صلح آمیز هسته‌ای راه نفخته بسیاری پیش

کار دیپلماسی هسته‌ای  
ایران قرار گیرد.  
پیش از اینکه تعریفی  
از اروپای دوم ارائه کنم  
و راهبرد پیشنهادی را توضیح دهم ضروری  
است تأکید شود استراتژی تک راهبردی  
تیم هسته‌ای ایران که صرفاً بر به «تفاهم»  
رسیدن با ۵+۱ متمرکز دارد ممکن است باعث  
فرصت سوزی بزرگی شده و خطر انفعال  
دیپلماتیک را در آینده ایجاد کند. استراتژی  
تک راهبردی مذکور بر دوپایه استوار است:  
اول حقانیت و منطقی بودن مواضع صلح  
آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی و دوم  
پذیرش این مواضع توسط کشورهای مقابل  
در صورت دیپلماسی فعال همراه با منطق و  
انعطاف. اما آیا اعتماد صرف به این دو مبنا  
امری پرریسک محسوب نمی‌شود؟

غیر از مانع بزرگ و غیرقابل پیش بینی مانند  
کنگره آمریکا که حداقل فعلاً تحت نفوذ لابی  
صهیونیستی و نئومحافظه کاران قرار دارد،



محمد سعید احدیان  
سردبیر روزنامه خراسان

اظهارات جدید اواما در اندیشکده بروکینگز  
که احتمال موفقیت تفاهم با ایران را حدود  
۵۰ درصد دانسته بود بار دیگر این سوال  
را پیش روی سیاستگذاران ایران قرار داد که  
آیا درست است که همه تخم مرغ‌های خود  
را درون سبد تفاهم نهایی با ۵+۱ گذاشت  
یا باید راه‌های جایگزین را نیز در دستورکار  
قرار داد تا اگر کار به بن بست رسید در  
موضع انفعال قرار نگیریم؟ اصولاً آیا راه  
جایگزینی جز متمرکز بر تفاهم با ۵+۱ وجود  
دارد و در صورت پاسخ مثبت آن سیاست  
جایگزینی که بهتر است به صورت همزمان  
پیگیری شود، چیست؟ پاسخ به این سوال را  
در جمله‌ای خلاصه می‌کنم: راهبرد وارد کردن  
«اروپای دوم» به صحنه دیپلماسی هسته‌ای  
بهترین سیاست جایگزین است که باید  
همزمان با راهبرد تفاهم با ۵+۱ در دستور